



۲۰۱۳/۴/۱

میر عنایت الله آشفته

نقش و رسالت مبارزین ملی گرا

قوای ائتلاف زیر چتر شورای امنیت ملل متحد، ظاهراً جهت برچیدن دام های گسترده آی. اس. آی. یعنی اشغال مخفی پاکستان، درهم شکستن گروه های تروریستی القاعده، از قبل جا سازی شده در مناطق پشتون نشین هر دو طرف خط تمیلی دیورند و سرنگونی رژیم طالبان، در افغانستان اقدام به حمله نظامی نمودند. برای رسیدن به موفقیت های سریع و کمترین تلفات، یک بار دیگر دست دوستی و حمایت به جانب جنگ سالاران مغلوب شده فراری از جانب امریکا دراز گردید. این اشتباه مکرر امریکا در واقع جواب مثبتی بود به همسایه ها و کشورهای منطقه بشمول هند و روسیه جهت تشکیل یک دولت ائتلافی و نه دولت متعلق به همه مردم افغانستان.

با پیش کشیدن شعار های عوام فریبانه ای چون آزادی بیان، دیموکراسی و . . . در جامعه قبیلوی و عشیره بی عقب نگهداشته شده افغانستان به شکل مسخ شده آن، منحصراً ابزار به جنگ سالاران و ناقضین حقوق بشر تحویل داده شد. تا دیموکراسی وارداتی شان بالوسیله آنها به اصطلاح نهادینه گردد. کار گشته گان مکتب سوز، تخریب کاران مؤسسات دوائر دولتی و چپاول گران سرمایه های ملی، راکت پاران های حرفه بی، با داشتن تجارب ویرانگری و معامله گری های سیاسی شان با استفاده از فرصت پیش آورده شده، خواسته های ضد ملی شانرا عملی سازند.

مطابق برنامه های از قبل داده شده، در مطبوعات خصوصی و رسمی به زهر پاشی، افتراق زبانی، قومی، سمتی و تنظیمی مصروف فرقه فرقه نمودن مردم جهت ادامه قدرت نا مشروع خویش متوسل شدند. حال روی سخنم به انگشت شمار هموطنانی است که آگاهانه یا غیر آگاهانه آب در آسیاب دشمن می ریزند، و بنام تحلیل گر سیاسی؟! یا قلم بدست مُرد بگیر! در حمایت به حلقه کوچک وابسته گمراه خویش هر آنچه دل تنگ ایشان لازم می داند، بدون احساس نیک به وطن و اهمیت قائل شدن به منافع ملی، وحدت ملی، به بهانه آزادی بیان، ضد منافع علیای کشور به عقده گشایی و اظهارات سخیفانه مبادرت می ورزند. مردم افغانستان آرزو دارند تا روابط دوستانه با همسایگان خود مثل سائر کشورهای جهان داشته باشند. اما زمانیکه تهیه فیلم های غرض آلود، ویدیوها، طبع کتب فاقد ارزش های علمی، اراجیف و آثار جعلی، برنامه های خاص و اظهارات سبک سرانه در تلویزیون های خصوصی توضیف شدگان شان، به معرفی خوبترین شیعه و بدترین سنی جهان، در قبال فرزندان این خاک توسط بسیجی های ایران، جهت ایجاد افتراق بین هموطنان ما مطرح می گردد. کجا اند، این رسالت مندان مُرد بگیر! فرهنگیان!، تحلیل گران سیاسی و نهاد های مدنی و حقوقی وطن دوست!؟

با کمال وقاحت این چهره های محدود و انگشت شمار، شناختانده شده قرار دادیان به اصطلاح نهاد های مدنی و مراجع تمویل شان با تبلیغات کر کننده یک جانبه، خود را عقل کل دانسته از سنگر باورهای تنگ نظرانه زبانی، قومی و مذهبی، قضایای جهانی را بزعم خویش کار شناسانه!؟ مورد غور، بحث و مذاقه سمتی و سمتی چاکر منشانه قرار می دهند. نه ترس از خدا و اشتباه گفتن و نه از مآخذ مردم و تاریخ دارند.

همچنان در جهت دیگر دستگاه استخباراتی آی. اس. آی. از احساسات مذهبی بین پشتون های دو طرف سرحد تمیلی و نام نهاد دیورند نیز استفاده ابزاری و سیاسی می نماید. و با گشتن روحیه وطن دوستی یا پاتریوتیزم بین طلاب مدارس مذهبی انطرف سرحد، تلاش پیوسته زیر شعار اسلام بدون مرز جریان داشته و دارد. اینکه دولت پاکستان به اسلام سیاسی باورمند است یا خیر؟ آگاهی اسلامی این رژیم را می توان از فهم وزیر داخله پاکستان و قرائت نتوانستن سوره شریف قل هو الله واحد، صدور فتوای جهاد و جایز شمردن عمل انتحاری در کشور ما درک کرد.

بازی های چندگانه شان مانند از بین بردن ملا عبیدالله وزیر دفاع رژیم طالبان، عده ای بشمار قوماندانان برجسته مجاهدین، همچنان ترور شخصیت های ملی گرای آگاه وطن دوست، زندانی نمودن ملا برادر و سائر مقامات عالی رتبه طالبان در زندان های پاکستان، تحویل دهی طالبان و مجاهدین به قوت های ائتلاف و فرستادن شان به زندان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

گوانتانامو، با تعقیب سیاست قند و قمچین تلاش هایی است در واقع، برای گرم نگهداشتن تنور داغ جهت قضیه کشمیر، رقابت با هندوستان، شکستادن شیرازه وحدت ملی افغانستان، ترس از حقوق و عدالت خواهی بلوچ ها و خیبر پشتون خواه می باشد.

همه فرزندان با خرد افغانستان در حالیکه خواستار داشتن روابط دوستانه متقابل با همسایگان خود می باشند، سخت باورمند به وحدت ملی، منافع ملی، و تمامیت ارضی خود نیز هستند. تصور اشتباه آمیز و خوش باورانه حاکمان کشور مبنی بر امضای پیمان های ستراتیژیک با امریکا و سایر قدرت های نیرومند جهان، که گویا مانع مداخلات همسایگان مُعرض ما خواهند شد، امروز کاملاً واضح و آشکار گردیده تا خود افغان ها کفایت و استعداد حفاظت کشور خود را نداشته باشند هیچ کشور دوست نمی خواهد به نسبت سند ستراتیژیک، وارد میدان جنگ با کشور ثالث شود.

سیاست دنبال منافع است و نه دوستی! اینکه تأریخ ۵ حمل ۲۷ راکت های پاکستان بار دیگر خاک افغانستان را هدف قرار داد، آقای «جان کری» وزیر خارجه امریکا در برابر جواب سؤال ژورنالیست، که گویا در برابر تجاوز همسایگان موقف دوستان ستراتیژیک چیست؟ گفت:

ما در تقویت نهاد های امنیتی کشورتان همکاری می نمائیم. جواب کاملاً واضح، روشن، و دیپلماتیک ارائه گردید. مردم آگاه ما پلان نا درست سیاست های ایجاد ملیشه سازی و اربکی سازی را، نه تنها به سودی تقویت نهاد های امنیتی نمی دانند بلکه بنا برداشتن تجارب تلخ گذشته ملیشه های گلیم جم خطرناک به حساب می آورند.

مردم، قدرت تشخیص دارند و در تناقض گویی های عمدی، گمراه نمی شوند. یکی به آن شوری شور از موقف دولت فساد گستر، با چنان قاطعیت دفاع می نماید که گویی این دولت در اثر یک انتخابات کاملاً شفاف، دیموکراتیک، عادلانه، و توسط خود مردم به قدرت رسیده، با شایسته ترین افراد وطن دوست جامعه به اساس اهلیت، لیاقت و دانش مسلکی جهت خدمت گذاری به کار گماشته شده اند. صرف یگانه مشکل کوچک باقی مانده، مداخله خارجی هاست و بس! جانب مقابل (خلع شدگان قدرت) که تا دیروز در پُست های کابینه، ولایات، مجلسین شورا و... بلند دولتی و امتیازات خاص را که در اختیار داشتند و دارند. با چنان بی نمکی، پُر رویی و مهارت گویا در سنگر دفاع از حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی، حقوق بشری و سائر ارزشهای مدنی قرار می گیرند که مگر خود ایشان نه در فساد اداری، نه در غصب جایداد های دولتی و شخصی، نه در قاچاق مواد مخدر، و نه در کشیدن اسعار به خارج از کشور و... هیچ سهم و نقشی نداشته و ندارند. علاوه بنا بر منافع گروهی و پیوند های ضد منافع ملی از عملکرد های منفی و اشتباه آمیز قوای ائتلاف، در سنگر دفاع ایشان نیز قرار می گیرند. اینجاست که نُخبگان سیاسی افغانستان از تجارب زمام داران گذشته و بازی قدرت های استعماری قرن ۱۹ بین روسیه و برتانیه، تا بازی بزرگ جنگ سرد و ادامه آن بازی نو، بر سر تقسیم مجدد منابع جهان، چیزی نیاموخته.

پیوسته انرژی و نیروهای وطن دوست کشور را، سیاسیون گماشته شده بیگانه در تقابل و حذف فزیکتی و سوء استفاده از اقوام ساکن کشور ضایع می نمایند. با توضیح مؤجز دو ضلع مثلث قدرت در ۱۲ سال گذشته بهترین شانس ها و فرصت ها را در جهت خدمت گذاری مردم، تعالی و ترقی کشور و استفاده مؤثر از کمک های سرشار مالی جهان را بخاطر منافع تنظیمی، سمتی، فردی و اختلافات ساختگی درون نظام، از دست دادند.

حال توجه هموطنان عزیز را به موقف ضلع سوم قدرت که عبارت از نیروی مقاومت طالبان و سایر مخالفان مسلح می باشند، جلب می دارم. وقتی بخشی از مردم افغانستان، مستقیم یا غیر مستقیم از اشغال کشور یاد می نمایند، خود بخود مقاومت مطرح بحث قرار می گیرد. اینکه مقاومت کور است یا جور؟ مقاومت ملی است یا محلی؟ ارتباط به تمثیل و عملکرد نیروی مقاومت می گیرد. در این بیش از یازده سال، تمام مخالفین مسلح از بی کفایتی، مظالم، نبود حاکمیت قانون و دولت، در ساحات مختلف کشور سود بُرده و بر مردم بی دفاع ما حاکمیت نموده اند. بخشی از مردم محلات بنا بر نبود دولت به دلایل عدیده ای از نیروهای مقاومت و طالب حمایت می نمایند. زورمندان قوای ائتلاف، دولت دست نشانده فساد گستر بیکاره و مخالفین مسلح زورگو، ملت مظلوم را گروگان گرفته اند. پس اجازه دهید این فرزند بی مدعای متعلق به ملت واحد افغانستان به نیابت از مردم اسیر و گروگان گرفته شده با استفاده از حق آزادی بیان، و انجام رسالت ملی خویش بگویم که: هر سه ضلع مدعی قدرت در افغانستان یعنی حکومت ائتلافی آقای کرزی، ائتلاف آقایان جبهه به اصطلاح ملی، مقاومت مسلح و طالبان، زورگو می باشند.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

منطقاً این ضلع مثلث نیز، نمی تواند مستقل باشد. زیرا پیش بُرد این جنگ های چریکی و فرسایشی در برابر قوی ترین و مجهز ترین پیمان نظامی (ناتو) و قوای ائتلاف بین المللی در رأس امریکا چگونه عقل سلیم حکم می نماید که این مقاومت بدون حمایت های خارجی ایستادگی کرده و نیرومند ترین قوای جهان را به شگست مواجه سازند؟ . صرف نظر از نیروهای بشری، سوق و اداره، اكمال، تجهیز، تسلیح و نیاز مندی های عقب جبهه اعم از تداوی، دوا، داکتر، شفاخانه، معاشات، وسایط نقلیه، روغنیات و لوژستیک به منابع قوی مالی، تخنیک و تبلیغاتی مداوم نیازمند می باشند. با وجود عواید از مدرک قاچاق مواد مخدر، اسلحه، عُشر گیری، دستان نیرومند و استخبارات کشور های همسایه و رُقبای مخالف حضور امریکا در منطقه، نیز وجود دارند که این جنگ فرسایشی به قیمت خون شجاع ترین فرزندان جوان این خاک با عاقبت نه اندیشی به پیش بُرده می شود و صد افسوس که از نیرو و توان این جوانان برای اعمار کشور کار گرفته نشده و نمی شود.

اگر "ملتی چیزی را از آزادی بیشتر ترجیح دهد، آن ملت نه تنها آزادی بلکه هر چیز دیگر را نیز از دست می دهد. البته آزادی امروز مفهوم تعریف کلاسیک قرن ۱۹ را ندارد." اینکه تلاش های سیاسی اخیر طالبان، به افتتاح دفتر قطر، کنفرانس پاریس، دیدارها با کشورهای اروپایی، امریکا و کشور های اسلامی، منجر گردیده همه نشانه هایی از نتایج ملموس این ضلع مثلث قدرت در مقابل دو ضلع دیگر مثلث قدرت، می باشد. اما همه مُدعیان بازیگر باید این درس را از گذشته آموخته باشند که اگر زمینه اشتراک شان در کنار سایر نیروهای رقیب، بلاثر تلاش های کشورهای ذینفع در قضیه، جهت ایجاد حکومت مشترک در آینده مساعد گردد. چگونه نیروهای مدعی قدرت می توانند که اطمینان خاطر به ملت داغدار و تشنه به صلح افغانستان بدهند که! کشور شان يك پارچه باقی می ماند! و زیر نام فدرال به تجزیه کشانده نمی شود، تضمین تساوی حقوق مردم در برابر قانون، حقوق پا مال شده مظلومان، مشکل استرداد جایداد های غصب شده مردم، تأمین عدالت اجتماعی، تضمین حق کار و تساوی حقوق تعلیم و تحصیل زنان و مردان در چوکات فرهنگ و سُنن پسندیده ما بشمول ایجاد زمینه های اشتغال و احداث پروژه های عمرانی در یک صلح پایدار و عادلانه قابل قبول به اکثریت مردم افغانستان تأمین میگردد؟

ناگفته پیداست که: یگانه راه حل معقول معضله، مذاکره، تفاهم و سهم شایسته شورای امنیت سازمان ملل متحد و کنفرانس کشورهای اسلامی می باشد، که نخست همه نیروهای رقیب را به یک آتش بس قابل اعتماد و دوام دار به تفاهم رسانیده، و از قتل، گُشتار، تلفات مردم بیگناه جلوگیری نمایند، تا اینکه فضای اعتماد بوجود آید. بلاثر این فضای مساعد بوجود آورده شده، مردم افغانستان در صلح و آرامش از طریق یک انتخابات شفاف، عادلانه، دیموکراتیک و سراسری زعامت آینده خویش را با مشروعیت بزرگ ملی به نمایش بگذارند. تا باشد که زعامت مشروع با حمایت وسیع مردم افغانستان و حمایت جامعه جهانی بوجود آید.

پیشنهاد این خیر خواه وطن، به همه نیروهای مدعی قدرت و درگیر این است که: با ترس از خداوند (ج) و ترحم به خود و مردم عذاب کشیده افغانستان شورایی متشکل از افراد آگاه سیاسی و نیک نام که در بخرانات گذشته و کنونی دخیل نبوده باشند، تشکیل و به طرف انتخابات آینده ریاست جمهوری کشور مشترکاً به پیش روند.

مُخ پر ویراندی دیو موتی او پیاوری افغانستان په لوري!

و من الله توفیق

پایان